

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِذِكْرِ وَلِيهِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَهُ

❖ پیروی و پیشوایی اهل بیت علیهم السلام، برهانِ هماهنگی و امان از پراکندگی

حضرت فاطمه علیها السلام در خطابه ی فدک فرمودند: «وَ طَاعَتْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَاماً لِلْمِلَّةِ»؛ خداوند اطاعت اهل بیت علیهم السلام را قرار داده که ملت را نظم بدهد، تا ملت سو و هم جهت بوده و پراکنده نشوند. به توجه به اینکه حضرت فاطمه سلام الله علیها که یک خانم هستند در این عبارت نکات بسیار مهم و با ظرافتی نهفته است؛ در ساختار مدیریتی ظاهری خداوند، حضرت زهرا علیها السلام نه در جایگاه نبوت و نه در جایگاه امامت هستند؛ ولی ایشان با بیان این عبارت خود را از اهل بیت علیهم السلام و «واجب الاطاعه ها» معرفی می کنند.

در زبان عربی «ملت» هم به معنای «دین» و هم به معنای «قوم» به کار می رود؛ لذا با اطاعت اهل بیت علیهم السلام، هم دین نظام پیدا می کند و هم مردم منظم می شوند. هم چنین پیشوایی اهل بیت علیهم السلام، امنیت را برقرار کرده و اتحاد ایجاد می کند. امروزه ملت اسلام هفتاد و سه فرقه شده اند و چه بسا بیشتر! که تنها یک فرقه ناجیه اند و باقی هالک. فرقه ی ناجیه - که شیعیان هستند - نجات می یابند، زیرا از اهل بیت علیهم السلام اطاعت می کنند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾: ۲

"بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر اعراض کردند، بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم."

❖ اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

آن چه بین ما برابر است و نسبت به همه مساوی است، خداوند است. هم ما و هم آن هایی که از اهل بیت علیها السلام پیروی نمی کنند، از خداوند اطاعت می کنند. وحدتی که قرآن حتی اهل کتاب را هم به آن دعوت کرده است، آن نیست که سر و ته قضیه را ببندیم و به رنگ هم درآییم! در واقع، مدعیان اتحاد و وحدت امروز، می گویند که شیعه ها دست از عقایدشان بردارند و سخت گیری نکنند و با برادران سنی خویش یکی شوند! در صورتی که ملاک وحدت بر اساس کلام قرآن، اعتقاد به خداست. حضرت زهرا

علیها السلام هم بر مبنای همین میزان می فرمایند: «وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ^۳»؛ چرا که امامت اهل بیت علیهم السلام، ملاک توحید است. نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه واله، عصمت، علم و امامت ائمه علیهم السلام است که از طرف خدا آمده و با قبول امامت ایشان، از اختلاف نجات پیدا خواهیم کرد.

امام رضا علیه السلام، به نقل از امام محمد باقر علیه السلام، پیرو فرمایش حضرت زهرا علیها السلام در باب امامت و اطاعت از اهل بیت علیهم السلام این گونه می فرمایند:

«أَوْصَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۴ قَالَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وَوَلِدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةَ»^۵

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام وصیت کردند؛ سپس در قول خداوند که می فرماید: (ای کسانی که ایمان آوردید! از خدا و رسول و اولی الامر تان اطاعت کنید.) حضرت رسول اکرم فرمودند: تا زمانی که ساعت برقرار باشد، ائمه از فرزندان علی و فاطمه هستند.»

در کتاب شریف اصول کافی، مرحوم کلینی بابی به نام «باب فرض طاعة الأئمة علیهم السلام»^۶ گشوده است. در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام این گونه بیان می شود:

«ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾^۷:^۸

«بلندی و کوهان و کلید و درب همه چیز و خرسندی خدای رحمان تبارک و تعالی، اطاعت امام است بعد از

معرفت او؛ سپس فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید: (هر که اطاعت پیامبر نماید، اطاعت خدا کرده و هر که رو گرداند [او را رها کن، زیرا] ما تو را نگهبان او نفرستاده ایم.)»

❖ اطاعت از امام علیه السلام در خطابه ی غدیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله در خطابه ی غدیر می فرمایند: «مَرْحُومٌ مَّنْ تَبِعَهُ» "مورد رحمت خداست کسی که تابع علی علیه السلام باشد" یعنی مطابق با او عمل کند. مطابق با او بگوید و دنبال او حرکت کند، با او باشد. «فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ»، "خدا رحمت کند او را و کسی که از او بشنود و از او اطاعت کند." مطیع علی علیه السلام بودن ، تابع علی علیه السلام بودن ، شنیدن سخن علی علیه السلام و اولاد علی علیهم السلام ، حقیقتی است که پیغمبر صلی الله علیه واله به شدت مورد تأکید قرار می دهند. همه باید از امیرالمومنین علی علیه السلام تبعیت کنند. ایشان، امام ، پیشوا ، الگو ، ولی و حجت هستند. در زیارت امیر

المؤمنين عليه السلام، زیارت ائمه عليهم السلام، زیارت امام زمان ارواحنا فداه واژه هایی را به کار می بریم که در تمام آن ها بر مسئله تبعیت و این که این بزرگواران، حجت هستند و الگو هستند ، تأکید شده است.

برای این که نگویند اطاعت علی علیه السلام ، فقط بر اهل مدینه واجب است، پیامبر صلی الله علیه واله در خطابه ی غدیر فرموده اند : « فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَي الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَي التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ » "اطاعتش بر مهاجرین ، انصار و بر پیروی کنندگان ایشان در نیکی واجب کرده است". آیا خداوند متعال این اطاعت را فقط بر مهاجرین و انصار واجب کرده ؟ خیر. چرا که در ادامه می فرمایند: « وَ عَلَي التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ » " کسانی که پیرو آنان در نیکی هستند" ؛ آیا این اطاعت فقط برای نسل بعد از مهاجرین و انصار است و بس ؟ خیر. « وَ عَلَي الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ » "آنان که بیابان نشینند و آنهایی که حضور دارند" « وَ عَلَي الْعَجَمِيِّ

وَالْعَرَبِيُّ وَالْحُرُّ وَالْمَمْلُوكُ وَالصَّغِيرُ وَالْكَبِيرُ» " بر غیر عرب ها و بر عرب ها هر یک از کسانی که آزادند یا کسانی که برده هستند و بر صغیر و کبیر واجب است واجب است."

"وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ" سیاه باشد یا سفید". از هر رنگ و نژادی باشد، همه باید از علی علیه السلام پیروی بکنند و "وَعَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ" و بر هر کسی که خداشناس است. " خداوند، علی علیه السلام را برای تمام ایشان ولی و امام قرار داده است. انسان ها ذاتاً و بطور فطری دنبال این هستند که رهبر خودشان را بشناسند، امام داشته باشند، ولی و سرپرست داشته باشند؛ لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به دستور خدا می فرمایند که خداوند علی علیه السلام را برای همه ی گروه ها امام قرار داده است .

❖ راه بندگی عبارت است از: معرفت، محبت، تبعیت

طریق بندگی از معرفت شروع می شود ، با محبت ادامه پیدا می کند و به تبعیت ختم می شود .
سرفصل سوم در طریق بندگی انسان ، تبعیت است . تبعیت اصطلاحاً از مقولات تشکیکی است؛ یعنی مرتبه دارد . تبعیت یک درجه ، تبعیت دو درجه ، تبعیت پنجاه درجه یا تبعیت صد درجه . روز عاشورا یک نفر تبعیت صد درجه کرده است (حضرت عباس علیه السلام) لذا تا قیام قیامت به دستور امام صادق علیه السلام به او می گوئیم «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ - الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ^{۱۰}» . غوغا است راجع به حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام . زیرا که ایشان هر چه امامشان گفته است ، پذیرفته اند .

خداوند اسم کسی را که به فرمانش گوش بدهد در زبان عربی، «ع» «ب» «د» عبد، گذاشته است. امام صادق علیه السلام در کتاب مصباح الشریعه^{۱۱} که به ایشان منسوب است، در این باره فرموده اند: در این کلمه، "عین"، یعنی دانش او نسبت به خداوند متعال، "با"، یعنی عبد همه کارش بالله است. "دال"، دنو بالله پیدا کرده و به خدا نزدیک می شود. اصلاً کسی که به فرمان خدا گردن نهد، عبد می شود. امام صادق علیه السلام عبودیت را معنا کرده و می فرمایند «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرٌ كُنْهَهَا الرَّبُّوِيَّةُ^{۱۲}». «عبودیت جوهری است که کنه آن ربوبیت است». این تقابل ربوبیت و عبودیت می رساند که اگر ما عبدیم به خاطر ربّ است و اگر عبودیت داریم بخاطر ربوبیت است. شناخت ربوبیت است که ما را به محبت می کشاند و ما را تابع او می کند. یعنی عبودیت بدون معرفت اصلاً عبودیت نیست؛ اولین قدم ایمان، معرفت خدا و تصدیق خدا و تعبد به خداست. بعد از این که معرفت و محبت پیدا شد، تبعیت پیدا می شود؛

یعنی ریشه‌ی اصلی تبعیت و محبت، معرفت است لذا اگر ما معرفت پیدا نکنیم محبت پیدا نمی‌کنیم و اگر معرفت پیدا نکردیم تابع نمی‌شویم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌فرماید «مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ وَ صَدَقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ» خداوند آمرزیده است کسانی را که از امیرالمومنین علی علیه السلام بشوند و امر ایشان را اطاعت کنند.

❖ آیا این اطاعت کورکورانه است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در طول خطابه غدیر اشاره می‌فرمایند که حال که علی علیه السلام این گونه هستند، به او محبت داشته و از او تبعیت کنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌فرمایند که علی علیه السلام امام شما است. این اطاعت پس از معرفی و شناساندن است؛ اطاعت از روی شناخت است و کورکورانه

نیست . پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله سپس می فرمایند : من از خودم نمی گویم از جانب خدا می گویم . «أَنَّ
اللَّهِ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَرِثًا وَإِمَامًا»^{۱۳} . «خدا او را برای شما ولی و امام قرار داده و منصوب کرده است»، من
منصوب نکردم بلکه نصب خدا را اعلام کردم. جمله ها ، کلمه ها دقیق است. چرا که نمی فرمایند که
من نصب کردم یا من قرار دادم .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله از آغاز دعوت خود فرموده اند که : بگوئید «أشهد ان محمداً عبده و رسوله» .
ایشان افتخار عبودیت و بندگی را به خود بسته اند. اسلام امیر المؤمنین علیه السلام هم همین گونه است، ائمه
طاهرین علیهم السلام هم تابع پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله هستند، پیروان راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز همین
گونه بودند. لذا می بینیم که یک مورد پیدا نمی شود که سلمان، ابوذر، حجر، حذیفه یمانی، و امثال آن
ها، در طول تاریخ یک جا به پیغمبر صلی الله علیه و اله اعتراض کرده باشند که این حرف شماست یا حرف

خدا، از امیر المؤمنین علیه السلام تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه ، یک حدیث یافت نمیشود که بگویند من می گویم. ائمه می گویند «عن ابی عن جدی عن رسول الله، عن الله، از جبرئیل از خدا» یعنی سخن خود را به پیامبر صلی الله علیه و اله و سخن پیامبر صلی الله علیه و اله را نیز به خداوند متصل می کنند؛ این عبودیت است . در مکتب امیر المؤمنین علیه السلام ، ربوبیت است و عبودیت است و خداست و پیغمبر صلی الله علیه و اله. ائمه علیهم السلام نمی فرمایند که ما از خودمان می گوییم . تمام را از خدا می دانند، علومشان را نیز به قرآن و خدا نسبت می دهند. ولی در مکتب مقابل ائمه علیهم السلام، به جای نقل از پیامبر صلی الله علیه و اله ، به استحسان و قیاس متمسک می شوند.

بنابراین، این مسئله فطری را که انسان ذاتاً در تکامل زندگی خویش می خواهد پیرو و تابع باشد، پیامبر صلی الله علیه و اله در جاهای مختلف آن را تقویت می کنند. به این ترتیب که چون انسان می خواهد

تابع باشد، لذا باید تابع خدا، پیغمبر صلی الله علیه و اله امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام باشید. لذا تا قیام قیامت «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^{۱۴} پیرو خدا، رسول و اولوالامر باشید.

❖ از این مطالب می توان به سه نکته مهم اشاره داشت:

اول: مردم در بیشتر سوژه های زندگیشان تابع هستند و این تابع بودنشان فطری است.
دوم: خداوند متعال و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله با حکمتی که از خدا گرفته و متصل به وحی است ، این تابعیت را فرع بر محبت و محبت را پله بعد از معرفت قرار داده است. معرفت و تابعیت مختص به

خدایی است که هر روز و هر شب در نماز تعریف می کنیم. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ- لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَدْ»^{۱۵} یعنی اگر می گوید تابع و اگر می گوید محبت، محبت براساس معرفت است و معرفت هم فطریست و هم ریشه ی استدلالی و عقلی دارد .
سوم: انسان عبادت کننده و بنده ، «عبد» است و خدا، «رب» است .

❖ نظم ملت نتیجه اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

همان گونه که بیان گردید، اطاعت یعنی انجام وظیفه. به عنوان نمونه وظیفه ما این است که صبح وضو بگیریم و نماز صبح بخوانیم و بعد تعقیبات را انجام دهیم، بین الطلوعین بیدار باشیم و سپس با توکل بر خداوند متعال برای کسب روزی تلاش کنیم. از دیگر وظایف این است که غذا را با آداب

اسلامی بخوریم . با نام خدا شروع کنیم و قبل از سیر شدن کامل ، سفره را ترک کنیم. با اینگونه رفتارها، هم عبادت و هم نظافت و هم مراعات می شود. این اوج نظم است که افراد وظیفه خود را در محل کار، خانواده و اجتماع، به خوبی انجام دهند. اطاعت اهل بیت علیهم السلام به معنای این است که: هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد، مانند عدل عمومی که باعث نظام مندی می شود. به عبارت دیگر، به نظر می رسد که جمله «طَاعَتْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامًا لِلْمِلَّةِ» ترجمانی دیگری از عبارت «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^{۱۶} است و عدل به این معنا است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. اگر «ملت» را به معنای دین هم در نظر بگیریم، همان بحث برقرار است؛ زیرا که پیشرفت دین زمانی که مردم به آیین عمل کنند، حاصل می شود. اوج این هماهنگی در زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه حاصل می شود که مردم با

عنایت امام عصر علیه السلام «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَي رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ»^{۱۷}
به اوج رشد عقلی می رسند و با اطاعت از امام عصر علیه السلام، جامعه ای ایده آل را خواهیم داشت.

حضرت زهرا سلام الله علیها در خطابه ی فدک می فرمایند:

«نَأْمُرُكُمْ فِتْنًا تَمْرُونَ. حَتَّى اسْتَقَامَتْ لَكُمْ مِثْلَ الدَّارِ وَ دَارَتْ لَكُمْ بِنَا رَحِي الْإِسْلَامِ وَ دَرَّ حَلْبُ الْإِيَامِ وَ خَضَعَتْ نُعْرَةُ
الشُّرْكِ، وَ سَكَتَتْ فَوْزَةُ الْأَعْفَاقِ، وَ خَبَتْ نِيرَانُ الْحَرْبِ، وَ هَدَّاتُ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ.»^{۱۸}

«همواره ما فرمان می دادیم و شما یان فرمان می بردید تا از سوی ما شما یان را پایداری آمد و به
وسیله ی ما آسیاب اسلام بر محور شما به چرخش در آمد و منافع روزگاران به دست رسید و فریاد
شرک خاموش شد و فوران کثری و ناراستی فرو نشست و آتش جنگ خاموش شد و فریاد آشوب به
آرامی رفت و نظام دین به انسجام نشست.»

تا زمانی که اطاعت از ما داشتید، نظام دین به انسجام نشست، ولی وقتی پشت کردید، وضع تغییر کرد. ایشان در فرمایش دیگری می فرمایند:

«مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَىٰ وَ لَا تَأْتِيٰ أَوْ قَالَتْ مَثَلُ عَلِيٍّ ثُمَّ قَالَتْ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَيَّ أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ بَنِيهِ لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ وَ لَوْرَثَهَا سَلْفٌ عَنْ سَلْفٍ وَ خَلْفٌ بَعْدَ خَلْفٍ حَتَّىٰ يَقُومَ قَائِمُنَا التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»^{۱۹}

همانا رسول خدا فرمودند: « امام همچون کعبه است که باید به سویش روند ، نه آن که (منتظر باشند تا) او به سوی آنها بیاید. آگاه باش! به خدا سوگند! اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می نمودند، دو نفر هم (در حکم خداوند) با یکدیگر اختلاف نمی کردند، و امامت

همان گونه که پیامبر خدا معرفی فرمود، از علی تا قائم ما، فرزندان نهم حسین، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می رسید»

❖ عبادت، انتظار، معرفت

شیخ طوسی در کتاب المصباح المتهجد، روایتی را از ابو عمرو عثمان بن سعید عمروی قدس الله روحه (اولین نایب از چهار نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری) نقل می کند که از سوی امام عصر ارواحنا فداه، برای زمان غیبت کبری، به او القا شده است. مضامین این دعا عبارت است از عبودیت و تمرین و آمادگی برای آنچه امام عصر ارواحنا فداه از ما می خواهند.

اگر امام عصر ارواحنا فداه را دوست داریم، اگر حکومت ایشان را دوست داریم، اگر منتظر و چشم به راهیم، باید آمادگی داشته باشیم. آمادگی به معنای تمرین و ورزش برای همکاری با کارگزاران آن حضرت است. این تمرین و ورزش برای همکاری با کارگزاران حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، «انتظار» نام دارد.

روایات بسیاری از زبان پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه ی اطهار علیهم السلام و حتی خود امام عصر ارواحنا فداه نقل گردیده که فرموده‌اند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^{۲۰}» «برترین عبادات انتظار فرج است.»

بهترین بندگی و عبودیت این است که چشم به راه ظهور امام عصر ارواحنا فداه باشیم. یکی از مصادیق انتظار فرج را خود امام عصر ارواحنا فداه چنین تعیین فرموده‌اند: خواندن مناجات‌ها و دعاها. یکی از معتبرترین

آن‌ها دعایی است که عثمان بن سعید عمروی بر ابوعلی محمد بن همام املاء کرد و به او امر کرد که از خواندن این دعا در زمان غیبت غافل نشود:

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمِئِنِي مِئْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي...»^{۲۱}

فرمود: خدایا، خود را به من بشناسان. خدایا، رسول خود را به من بشناسان. خدایا، حجّت خود را به من بشناسان. این معرفت و شناخت را می‌گویند شناخت از بالا به پایین؛ یعنی: از معرفت خداوند عزوجلّ شروع می‌کنیم و به معرفت حجّت زمان و دین می‌رسیم.

از این جا به بعد، فراهایی انتخاب شده است که نشان می‌دهد اگر بخواهیم منتظر بوده و با امام زمان ارواحنا فداه دوست باشیم، باید عبد و مطیع ایشان باشیم.

چرا که می‌دانیم که ائمه‌ی طاهرین سلام الله علیهم اجمعین چیزی جز کلام خدایی نمی‌گویند: «و ما تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ^{۲۲}»

بنابراین، تمرین انتظار و چشم به‌راهی امام عصر ارواحنا فداه همان عبودیت نسبت به خداوند متعال و اطاعت مطلقه نسبت به ولیّ مطلق خداوند، امام عصر ارواحنا فداه است. امام زمان علیه السلام چگونگی انتظار (یعنی: عبودیت) را از زبان عثمان بن سعید عمروی، یاد می‌دهند، چرا که امام زمان ارواحنا فداه دوستانشان را دوست دارند و مایل اند که دوستانشان، با آمادگی کامل، در انتظار آن بزرگوار باشند. می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ

لَا تُمِتْنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»: خدایا، مرا به مرگ جاهلی نمیران. مرگ جاهلی به معنای مرگ با شرک و الحاد و کفر است. خدا نکند که انسان باچنین حالی بمیرد.

«وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي»: خدایا- پس از این که مرا راهنمایی کردی- قلبم را مایل به باطل نکن. نماز را ترک نکنم. بعد از این که مؤمن شدم، ایمان را کنار نگذارم. کسانی هستند که خداوند متعال قلب آنان را- بر اساس حکمت‌هایی- مهر می‌کند. دوستان متدین و نمازخوان! بسیار مراقب باشید که تقوا و دین شما کم رنگ نشود. همیشه بگوییم: (رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا) ﴿۲۳﴾

❖ معرفت و اطاعت

در ادامه، در قسمتی از دعای مذکور آمده است: «اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةٍ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ»: "خدایا، همان گونه که مرا- برای پذیرش

سرپرستی آنان که بعد از پیامبر صلی الله علیه واله ولی امر مایند- هدایت کردی، به من توفیق بده که سخن آنها را بپذیرم. " در ادامه ، آنها را یک به یک نام می برد: «وَلَا تَقْرَأُ أَمْرًا أَمِيرًا مُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.» سپس، می فرماید: «اللَّهُمَّ فَتَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ»؛ "خدایا، مرا بر دین خود ثابت نگه دار." یعنی اینها دین است؛ اعتقاد است. «وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ» "مرا در راه اطاعت خود، به کار بگیر"، تا کارهایم در راه بندگی و اطاعت تو باشد که همان اطاعت اولیاء توسست. اگر من از امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت کنم، از تو اطاعت کرده ام. «وَ لَيْتَنِي قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ»؛ "دل مرا برای ولی امرت نرم کن. " در زمان ما، این ولی، امر فرزند حضرت نرجس خاتون هستند. خدایا! دل مرا نسبت به ایشان نرم کن. «وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ»؛ "و از آنچه که خلقت را بدان امتحان می کنی، مرا به سلامت بیرون آور. " خدایا، مرا از این امتحان زمان

غیبت کبری که زمان فتنه است، مقبول بیرون بیاور. این دعایی است که امام عصر ارواحنا فداء خود به ما تلقین می‌کند که در زمان غیبت- که زمان فتنه است- بخوانیم. «وَتَّبِعْنِي عَلَي طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكِ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ»: "خدایا! در طاعت آن ولی امری که از چشم مردم پوشانده‌ای، مرا ثابت قدم بدار تا من از آن کسی که پشت پرده‌ی غیبت است، اطاعت کنم. " «وَاذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ»: "او، با اجازه‌ی تو از مردم پنهان شده است. " «وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ»: "و منتظر فرمان توست. " «وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِتْرِهِ»: "و تو ای خدا- بدون آن که کسی به تو بیاموزد- آگاهی به زمانی که در آن صلاح امر ولی توست تا به او اذن دهی و امرش را آشکار نمایی و او را بنمایانی. "

خدایا! تو خود خوب می‌دانی چه وقت اذن دهی و چه موقع ظهور را امضاء کنی. آن چیزی که وظیفه‌ی من است، دعا و آمادگی است. آن چیزی که وظیفه‌ی من است، تمرین چشم به راهی است.

یک مثال ساده‌ی عرفی این است که پدر و پسر در شرکتی یا کارخانه‌ای یا مغازه‌ای کار می‌کنند؛ تجارت می‌کنند. این پسر، هم فرزند آن پدر است و هم شاگرد پدر و هم مشاور او. پدر تجربه‌ای دارد. زمانی را در کاسبی گذرانده و موهایش را در کار تجارت و کارخانه‌داری سفید کرده است. اما پسر تازه‌کار است. اگر پسر تابع باشد، می‌گوید: بابا، جنس را به کدام شهر بفرستم؟ چقدر تولید کنم؟ با چه کسی داد و ستد کنم؟ به چه کسی نقد بفروشم و به چه کسی نسیه؟ مثلاً به یک نفر نقد می‌فروشد و پدر اعتراض می‌کند. پسر می‌گوید: من که کار بهتری کرده‌ام؛ پول را نقد گرفتم. پدر می‌گوید: ظاهراً تو کار خوبی کردی؛ اما در نسیه فروختن به این فرد، مصلحتی است. آن که می‌خواهد امر پدر را اطاعت کند - ضمن آن که دنبال استفاده و کاسبی و عرضه‌ی جنس است - سعی می‌کند دقیقاً پایش را جای پای پدر بگذارد.

این یک مثال عرفی ساده و پیش پا افتاده است. با این مثال روشن می‌شود که چرا بهترین اعمال و عبادات امت، انتظار فرج است. سر تا پای وجود شیعه، در زمان غیبت، چشم به راهی است.

❖ امروز ما چه کنیم؟

حال، به عنوان احساس وظیفه و کاستن کمی از غربت امیرالمؤمنین علیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه که صدای «هل من ناصرینصرنی» ایشان بلند است و به عنوان یاری خداوند، آمده‌ایم. این نعمت را قدر بدانیم و با امیرالمؤمنین علیه السلام پیمان ببندیم که تا آخر عمر، یک قسمتی از زندگی مان را، اختصاص به خدمت برای امیرالمؤمنین علیه السلام دهیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: امت و شیعه ی من کسانی هستند که مرا بیشتر از خود و پدرشان دوست داشته و فرزندان مرا بیشتر از فرزندان خود دوست داشته

باشند. سعی کنیم که حضرت زهرا سلام الله علیها، امام حسن، امام حسین و امام زمان علیهم السلام را که فرزندان پیغمبر صلی الله علیه و آله هستند، از خودمان بیشتر دوست بداریم و آنان را یاری کنیم. و بدانیم:

عامل پیشرفت ما این است که خودمان به احساس غربت امیرالمؤمنین علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه برسیم. در هر فضایی و هر محیطی که وارد شدیم دغدغه داشته باشیم و در هر جایی که می توانیم، تبلیغ کنیم. توجه داشته باشیم که از عوامل موفقیت انسان، **منظم بودن و روحیه پیگیری** است.

در این زمانی که تمام گروه های باطل و غیرحق تبلیغ می کنند، ما می توانیم با گردن نهادن بر فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطابه ی غدیر از دین و اعتقادمان دفاع کنیم، که فرمودند:

۱. ((مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَيَّ كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَيَّ كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لَدَّ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْعَائِبَ وَ الْوَالِدُ

الْوَلَدَ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^{۲۴}) هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وارثت به امانت به جای می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیر و اکنون، ماموریت تبلیغی خود را انجام دادم تا برهان بر هر شاهد و غایب باشد و نیز بر همه ی آنان که زاده شده یا نشده اند. «پس بایسته است، این سخن را حاضران به غایبان و فرزند داران به فرزندان تا برپایی رستاخیز ابلاغ کنند».

۲. ((أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَيَّ قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ))^{۲۵} "هشدار! برترین بخش امر به معروف این است که به گفته ی من _ درباره امامت و ولایت علی و فرزندان او _ برسید و سخنم را به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری با من باز دارید. "

این دو فراز به علاوه سفارشات دیگر پیامبر صلی الله علیه واله نشان می دهد که انتقال مفاهیم و مطالب خطابه غدیر واجب عینی و نه کفایی، واجب تعیینی و نه تاخیری، واجب نفسی و نه مقدمه ای و عرضی برای همه مسلمانان است.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنودباشی و ما رستگار

^۱شکوه یاس: متن و ترجمه ی خطبه ی فدک؛ متن، قسمت ۶، صفحه ۱۸
آل عمران(۳): ۶۴.

^۲شکوه یاس: متن و ترجمه ی خطبه ی فدک؛ متن، قسمت ۶، صفحه ۱۸
نساء (۴): ۵۹

^۳بحار الأنوار: ج ۲۳، ص ۲۸۶.

^۴الکافی: ج ۱، ص ۱۸۵.

٧ نساء (٤): ٨٠

٨ اصول كافي: ج ٢، ص ٧٤، ح ١.

٩ سروش آفتاب (متن و ترجمه ي خطابه ي غدیر): متن، قسمت ٣، صفحه ٢٢

١٠ کامل الزيارات / النص / ٢٥٧ / الباب الخامس و الثمانون زيارة قبر العباس بن علي عليهما السلام

١١ مصباح الشريعة / ٨ / الباب الثاني في العبودية ؛

١٢ مصباح الشريعة / ٧ / الباب الثاني في العبودية

١٣ سروش آفتاب (متن، ترجمه ي خطابه ي غدیر): متن، قسمت ٣، صفحه ٢٢ و ٢٢

١٤ النساء (٤): ٥٩

١٥ اخلاص (١١٢): ١ - ٤

١٦ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب / ج ١٢ / ٥٦١

١٧ كمال الدين و تمام النعمة / ج ٢ / ٦٧٥

^{۱۸}شکوه یاس (متن و ترجمه خطابه فدک) متن قسمت ۱۴؛ صفحه ۵۴

^{۱۹}بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۶، ص: ۳۵۳

^{۲۰}بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۲، ص: ۱۲۵

^{۲۱}مصباح المتهجد: ص ۴۱۱ و مفاتیح الجنان، ملحقات (دعا در غیبت امام زمان علیه السلام)

^{۲۲}إنسان (۷۶): ۳۰

^{۲۳}آل عمران (۳): ۳۰

^{۲۴}سروش آفتاب (متن، ترجمه ی خطبه ی غدیر): متن، قسمت ۶، صفحه ۵۲ و ۵۳

^{۲۵}سروش آفتاب (متن، ترجمه خطبه ی غدیر): متن، قسمت ۱۰، صفحه ۸۲